

ارزیابی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان با استفاده

از مدل‌های AHP و TOPSIS

(شهرستان‌های زاهدان، زابل، ایرانشهر و چابهار)

علی ریگی^۱، مرتضی یآوری^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری

۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری، عضو هیئت‌علمی گروه شهرسازی دانشگاه زابل

Ali.reegi724@gmail.com

چکیده

در کشورهای جهان سوم تمرکز شدیدی بین مناطق وجود دارد که باعث عدم تعادل شده است. در نتیجه این سیاست، تعداد محدودی از مناطق توسعه می‌یابند و سایر مناطق به‌صورت حاشیه‌ای عمل می‌نمایند. ایجاد توازن و هماهنگی در سازماندهی شهری، از مصادیق بارز توسعه‌یافتگی به‌شمار می‌رود. در این مطالعه برای شناسایی و تعیین رتبه توسعه‌یافتگی ۴ شهرستان زاهدان، زابل، ایرانشهر و چابهار؛ با استفاده از آخرین اطلاعات سالنامه آماری استان (سال ۱۳۹۰) ۱۵ شاخص در بخش‌های کشاورزی، آموزشی و بهداشت و درمان مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف از این مطالعه، ارزیابی سطح توسعه شهرستان‌های بزرگ استان است. روش پژوهش توصیفی و تحلیلی است و با استفاده از آمار، مقایسه‌ای بین ۴ شهرستان انجام شده است. وزن شاخص‌ها با بهره‌گیری از روش AHP تعیین شد، سپس سطح توسعه‌ای ۴ شهرستان به تفکیک ۳ بخش، با روش TOPSIS رتبه‌بندی شد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در بخش‌های آموزشی و بهداشت و درمان، زاهدان رتبه اول را داراست و در بخش کشاورزی نیز زابل در سطح اول قرار دارد. همچنین چابهار در بخش‌های بهداشت و درمان و کشاورزی و ایرانشهر در بخش آموزشی کمتر از دیگر شهرستان‌ها توسعه یافته‌اند. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که امکانات و خدمات به‌صورت هماهنگ و متعادل در سطح استان پخش نشده و از پتانسیل‌های موجود استان استفاده کافی نمی‌شود.

واژگان کلیدی: سطح توسعه‌یافتگی، AHP، TOPSIS، سیستان و بلوچستان.

۱- مقدمه

توسعه، تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است و تحقق آن، مستلزم ایجاد هماهنگی بین ابعاد گوناگون آن است (امین بیدخت، ۱۳۸۵: ۱۷). رشد و توسعه به‌عنوان یک مقوله‌ی اقتصادی-اجتماعی ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه‌شناسان مورد توجه اساسی قرار گرفت. توسعه جریانی چندبعدی است که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. به عبارت ساده، با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌ها است، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (تودار، ۱۳۶۷: ۲۳۵). بحث نابرابری توسعه منطقه‌ای از موضوعاتی است که در فرهنگ برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح شده و هنوز در کشور ما جایگاه چندان مشخصی ندارد. نابرابری‌های توسعه‌ای در بین مناطق که به

دلایل متعددی چون دلایل تاریخی، طبیعی، دموگرافی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره ایجاد می‌شوند، رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی را سبب می‌گردند. در شرایط کنونی اقتصاد ایران، نگاه به حرکت توسعه اقتصادی در بستر دانایی محوری، تعمق و بصیرت نسبت به روند تغییر و تحولات جهانی و میزان اثرگذاری آن‌ها بر فرآیند توسعه ملی و از جانب دیگر شناسایی و تحلیل علل و عوامل درونی مؤثر در فرآیندهای توسعه‌ای و ضد توسعه‌ای در عرصه‌های ملی و منطقه‌ای بسیار مهم و ضروری است.

برنامه ریزان جهت تحقق عدالت اجتماعی در فرآیند توسعه، سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و گسترش همه‌جانبه‌ی جنبه‌های مثبت توسعه‌یافتگی دارند. گام اساسی در این زمینه شناسایی شرایط موجود و تدوین برنامه‌های کارآمد و منطبق بر واقعیت‌های موجود است. چه‌بسا عدم شناخت دقیق وضع موجود، کلیه تلاش‌های دست‌اندرکاران امر محرومیت‌زدایی و کسب عدالت اجتماعی را عقیم می‌گذارد؛ بنابراین در اجرای برنامه‌های اجتماعی-اقتصادی، لازم است تخصیص منابع با توجه به شرایط موجود مناطق انجام گیرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲). سطح توسعه‌یافتگی استان‌های مختلف کشور با توجه به توزیع فضایی ناهمگون منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و طبیعی ممکن است دارای وضعیت متعادل و مناسبی نباشد؛ به‌عبارت‌دیگر به علت امکانات بالقوه منطقه‌ای، توسعه‌یافتگی است آن‌های کشور ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات با یکدیگر متجانس نباشد (مولایی، ۱۳۸۷: ۷۲). همین‌طور در داخل یک استان نیز به دلیل تفاوت‌های ناحیه‌ای و تفاوت در میزان سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی درجات متفاوتی از توسعه مشاهده می‌گردد. بر این اساس ضرورت ایجاد تعادل و توازن در روند توسعه منطقه‌ای و ناحیه‌ای کشور روشن است.

۲- پیشینه پژوهش

علی‌رغم ارائه تعاریف متعدد از واژه «توسعه»، هنوز تعریف جهان‌شمولی از آن ارائه نشده و اندیشمندان مختلف مفاهیم متعددی برای توسعه ذکر کرده‌اند. پروگفیل (۱۹۸۸) توسعه را پیشرفت به‌سوی اهدافی نظیر کاهش فقر، بیکاری و برابری تعریف می‌کند (لانگ، ۱۹۸۸: ۱۰). برخی از صاحب‌نظران بزرگ چون آدام اسمیت، بایر، کلارک، هیرشمن، میردال و روستو توسعه را یک تحول بنیادی از جامعه کهن به جامعه نوین به شمار آورده‌اند (مایر و همکاران، ۱۳۶۸: ۴۱). بحث توسعه‌یافتگی و بررسی نابرابری‌های موجود در محدوده‌های جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه ریزان و سیاست‌مداران قرار گرفته است و پژوهش‌های زیادی در سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی با استفاده از روش‌های متفاوت صورت گرفته است که خلاصه‌ای از آن‌ها به شرح جدول ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد؛

جدول ۱- خلاصه‌ای از تحقیقات انجام پذیرفته پیرامون بحث توسعه‌یافتگی در نواحی مختلف جغرافیا (مأخذ: زنگی آبادی و

همکاران، ۱۳۹۲)

محقق	سال	عنوان تحقیق	توضیحات
نلسون آرتور و همکاران	۱۹۹۴	بررسی عوامل مؤثر در توسعه ناحیه‌ای آتلانتا و پورتلند	باوجود بیشترین میزان سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در منطقه آتلانتا، شهر پورتلند نسبت به دو شهر دیگر این ناحیه از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار شده و علت آن مدیریت و هماهنگی در برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای در این شهر است.
سازمان ملل	۱۹۹۷	گزارش سطح توسعه انسانی کشورهای جهان	سطح توسعه انسانی کشورهای جهان با استفاده از سه شاخص امید به زندگی، در صد باسوادی و درآمد سرانه مورد سنجش قرار گرفته و نتایج نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیایی از توسعه انسانی مطلوبی برخوردار نیستند.
بدری و رونیزی	۱۳۸۵	سطح توسعه‌یافتگی نواحی روستاهای شهرستان کامیاران	ضریب توسعه‌یافتگی بین مناطق روستایی این شهرستان متفاوت بوده و اختلافات و نابرابری زیادی بین این مناطق وجود دارد.
تقوایی و قائد رحمتی	۱۳۸۵	تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی است آن‌های کشور	بین است آن‌های کشور از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد.

با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی ۹۰ متغیر شناسایی شده به ۲۴ شاخص در سه گروه عمده تقبیل داده و در نهایت شهرستان‌های این استان با توجه به عامل‌های استخراجی سطح بندی شده اند.	سنجش سطوح توسعه کشاورزی شهرستان‌های استان اصفهان	۱۳۸۷	زنگی آبادی و سلطانی
درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از فن تاپسیس مورد ارزیابی قرار داده اند.	درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی	۱۳۸۹	زیاری و همکاران
مناطق شهری کلانشهر اصفهان را بر اساس ۲۱ شاخص مورد مطالعه قرار داده اند و در نهایت این مناطق را در سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار و فرورخوردار طبقه بندی کرده‌اند.	کاربرد فن تاپسیس در تحلیل و اولویت بندی توسعه پایدار مناطق شهری	۱۳۸۹	نسترن و همکاران
با بهره‌گیری از فن تاپسیس فازی، دهستان‌های شهرستان میان‌دوآب بر اساس ۲۳ شاخص توسعه، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و نهایتاً دهستان‌های این شهرستان را در سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم سطح بندی شده است.	تحلیل فضایی و سنجش سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان میان‌دوآب	۱۳۹۰	احمدیان و همکاران
بر اساس نتایج این مطالعه شهرستان تبریز در آذربایجان شرقی با توجه به مرکزیت اداری، سیاسی و اقتصادی که دارد، در رتبه اول توسعه قرار گرفته و برخوردارترین شهرستان این استان است.	تحلیلی بردرجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های آذربایجان شرقی	۱۳۹۰	زنگی آبادی و همکاران
تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی باعث تمرکز امکانات و ایجاد فضاهای فرهنگی در برخی از مناطق می‌شود و تعداد زیادی از مناطق دیگر از امکانات فرهنگی محروم می‌مانند.	سطح بندی شهرستان‌های استان زنجان براساس شاخص‌های توسعه فرهنگی	۱۳۹۱	مشکینی و قاسمی
بنادر یکی از محورهای اصلی توسعه اقتصادی مناطق هستند که دارای توان‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری فراوانی هستند. نتایج این مطالعه نشان داده است که در بین بنادر شمال ایران بندر انزلی مناسب‌ترین بندر جهت توسعه منطقه‌ای شمال کشور است.	بررسی و تحلیل قابلیت‌ها و مزایای نسبی توسعه منطقه‌ای در بنادر شمال ایران	۱۳۹۱	پریزادی و همکاران
بخش مسکن به‌عنوان یک موضوع چندبعدی، تاثیر بسزایی بر توسعه‌یافتگی شهرها دارد و برنامه‌ریزی نامطلوب و عدم توزیع عادلانه منابع، مسائل عمده‌ای را در روند توسعه‌یافتگی شهرها به خصوص شهرهای کوچک ایجاد کرده است.	ارزیابی توسعه‌یافتگی مسکن در مناطق جنوبی استان همدان	۱۳۹۱	ذاکر حقیقی و همکاران

۳- مبانی نظری پژوهش

۱-۳- مفهوم توسعه: توسعه فرآیندی چندبعدی است که سازماندهی مجدد و جهت دهی اقتصاد و سیستم‌های اجتماعی را شامل می‌گردد. همچنین به دنبال افزایش درآمد و بازدهی جامعه است. توسعه اصولاً شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمان‌ها، جوامع و مدیریت‌ها است (استریتن، ۱۹۹۹: ۵۶). توسعه یک کشور یا منطقه، افزایش تولید، دسترسی به تسهیلات زیر بنایی و خدماتی، فرصت‌های شغلی مناسب، به کارگیری تکنولوژی جدید و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و مصرف را شامل می‌گردد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۷). در مجموع توسعه را می‌توان ارتقاء زندگی اقتصادی، نجات از فقر، بی‌سوادی و در برگیرنده نهادها و بنیادهای فکری، روابط اجتماعی، گروهی و طبقاتی، تعلیم و تربیت، تولید دانش، ابداعات، تکنولوژی، حساسیت‌های اجتماعی و منطقی، علمی و مهارت‌های فردی و ظرفیت‌های ادبی و نظام قضاوت و دیگر موارد دانست (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۶).

۲-۳- توسعه ناحیه‌ای: در مباحث مربوط به برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است. از پایان جنگ جهانی دوم به این سو «توسعه» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در محافل دانشگاهی و برنامه‌ریزی کشورها مطرح بوده است، به نحوی که در دهه ۱۹۹۰ غالب کشورها به بازنگری وضعیت خود در این خصوص پرداخته‌اند. نهادهای مرتبط با امر توسعه با استفاده از شاخص‌هایی چند و با بهره‌گیری از الگوهای خاص مبادرت به تعیین درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی کشورها نموده‌اند؛ اما مسأله این است که مفهوم توسعه معنی ثابتی نداشته و در دهه‌های اخیر متحمل تغییراتی شده

است (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۴). در این راستا اقتصاددانان نئوکلاسیک توسعه ناحیه‌ای را مبتنی بر توجیه شرایط بازار آزاد می‌دانند (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۰۰) که در جریان آزاد منابع بین نواحی در یک سرزمین یا کشور در بلند مدت نوعی تعادل بین ناحیه را به وجود می‌آورد. نئوکنزیه‌ها نیز توسعه ناحیه‌ای را وابسته به صادرات می‌دانند و اقتصاد ناحیه‌ای را به دو بخش پایه و غیر پایه تقسیم می‌کنند (هاروی، ۱۹۹۶: ۲۰۳). فرانسوا پرو نحوه نگرش به توسعه نواحی را ناشی از قطب رشد می‌داند که در مرحله اول با سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری، واگرایی و نابرابری ایجاد می‌گردد. در این نظریه برپویایی و روابط میان نواحی و تاثیرپذیری نواحی از یکدیگر در طول زمان بر روی ساختار فضایی تاکید می‌گردد (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۰۲). جان فریدمن نیز با ارائه نظریه مرکز و پیرامون به ایجاد رابطه استعماری میان مرکز و پیرامون در سیستم فضایی اشاره می‌کند. وی بر این عقیده است که هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام فضایی است. یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویای نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به شمار آورد. این بخش در حالت سلطه‌پذیری و وابستگی نسبت به مرکز قرار دارد (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۰۳). در نظریه وابستگی نیز به تاثیرات حاصل از وابستگی اقتصادی کشورهای جهان سوم به نظام جهانی اشاره می‌شود که تاثیرات ناشی از آن نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان نواحی داخلی را سبب می‌گردد. به طوری که با تمرکز منابع و امکانات در مادرشهرهای بزرگ و تک شهرهای مسلط ناحیه‌ای، شکاف میان ثروت و فقر را عمیق کرده و روند کلی توسعه را آهسته نموده است (شکوئی، ۱۳۷۷: ۴۵۰).

۳-۳- عدالت اجتماعی: جست و جو برای شهری عدالت محور تا حدی تلاش برای درک توان بالقوه تغییر یابنده نظریه شهری است. این امر جست و جویی است که با بررسی درباره واقعیات روزمره زندگی شهری شروع شده و سپس به پیگیری درباره وسیله‌ای برای تغییر شکل آن واقعیات و تجسم زندگی پس از این تغییرات می‌پردازد. این فرایند با ناعدالتی‌هایی همچون خشونت، ناامنی، بهره‌کشی و فقر که برای بسیاری معرف زندگی شهری بوده و همراه با رشد سریع شهر نشینی به وجود می‌آید و نیز نمودهای کالبدی آن چون دسترسی نابرابر به خدمات، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که حاصل تقسیمات درهم پیچیده بین دسته‌های نژادی، طبقاتی و جنسیتی است، شروع می‌شود. آگاهی از این ناعدالتی‌های روزمره فهم ما را غنا بخشیده و معیاری برای ارزیابی آنچه به دست آورده‌ایم، فراهم می‌کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹). ولی جست و جو برای شهری عدالت محور، جست و جو برای چیزی فراتر از واکنش و نظر یک فرد به نا عدالتی‌های خاص است. این امر نیازمند ایجاد چارچوبی منسجم برای درک مفاهیم و فعالیت‌ها است. از آنجا که ساکنان شهری با ایدئولوژی‌های متفاوت در رقابت هستند تا تصورات خود از عدالت را جهانی کنند، پرسش مهم این است که تا کجا می‌توان نظرات مفید و منسجمی را از این مفهوم بحث بر انگیز توسعه داد؟ اگرچه مفاهیم فضایی عدالت اجتماعی برای تعدادی از سازمان‌های فعال و جنبش‌های اجتماعی شهری به صورت دغدغه‌ای مشترک در تمام جهان درآمده است، اما به درستی معنی عدالت برای زندگی شهری هنوز تعریف نشده است. جست و جو برای این معنی نیز جست و جویی برای یک شهر عدالت محور است. در تلاش برای ارائه تعریفی از عدالت، شهر همیشه به عنوان یک بحث اکتشافی بنیادی مطرح بوده است؛ سقراط از یک توصیف طولانی از آنچه شهر عدالت محور به نظر خواهد رسید به عنوان چهارچوبی برای ارائه بحث خود در طرفداری از عدالت به عنوان یک راهنمای اخلاقی برای افراد استفاده کرده است. او این طور استدلال می‌کند که کیفیت عدالت را با توجه به عملکردهای یک دولت (دولت-شهر) راحت‌تر می‌توان تشخیص داد تا با توجه به عملکرد اشخاص. در واقع در نظر او عدالت به عنوان کیفیت درونی شهرها بر مبنای برآیند کنش‌های ساکنان شهر تعریف می‌شود. همچنین سقراط کار خود را با تعیین یک «مدل ارگانیک» بحث برانگیزتر برای دولت که در آن برای بخش عمومی نقشی قوی و رو به رشد در نظر می‌گیرد به اتمام می‌رساند تا بتواند از تحقق یک شهر عدالت محور و در نتیجه یک زندگی عدالت محور برای ساکنان آن اطمینان حاصل کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۱).

رتبه‌بندی نواحی و مناطق بر حسب میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی- اجتماعی، همانند مسئله تصمیم‌گیری چند شاخصه مورد ملاحظه قرار می‌گیرد که برای روبه رویی با آن روش‌های گوناگونی وجود دارد. تصمیم‌گیری چند شاخصه، از پرکاربردترین شیوه‌های تصمیم‌گیری در امور علمی، تجاری، مهندسی و مدیریتی به شمار می‌رود. این روش‌ها از راه شفاف سازی، منطقی و کارا نمودن فرایند تصمیم‌گیری، کیفیت تصمیم‌ها و ارزیابی‌ها را بهبود می‌بخشند. گفتنی است که به کارگیری معیارها و روش‌های

کمی برای سطح بندی سکونتگاه ها در سیستم فضایی مناطق، از سویی منجر به شناخت میزان نابرابری نقاط سکونتگاهی می شود و از سوی دیگر، معیاری برای تلاش در زمینه کاهش و رفع نابرابری موجود میان آن ها است (زیاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷).

۴- روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش پیش رو، بر پایه رویکرد توصیفی-تحلیلی است که در آن، سطح توسعه یافتگی ۴ شهرستان استان سیستان و بلوچستان از نظر شاخص های مختلف توسعه، در بخش های کشاورزی، آموزشی و بهداشت و درمان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. داده های مورد نیاز پژوهش از مطالعات کتابخانه ای و منابع آماری طبق آخرین سالنامه آماری استان (۱۳۹۰) تدوین شده است. تحلیل داده ها با استفاده از روش های تصمیم گیری چند شاخصه (MCDM) انجام شد. بدین ترتیب که وزن شاخص ها با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) تعیین شد، سپس با استفاده از روش TOPSIS میزان نزدیکی نسبی هر یکی از شهرستان ها به راه حل ایده آل محاسبه شد. بر اساس امتیاز های به دست آمده از این روش، رتبه بندی شهرستان ها به تفکیک بخش های مختلف انجام گرفت.

۵- بحث و یافته ها

در این پژوهش، ارزیابی سطح توسعه یافتگی شهرستان های زاهدان، زابل، ایرانشهر و چابهار و تبیین نابرابری ها در بخش های کشاورزی، آموزشی و بهداشت و درمان؛ با بهره گیری از روش های تصمیم گیری چند شاخصه انجام گرفت. بدین ترتیب که وزن شاخص ها با استفاده از روش AHP تعیین شد (جدول ۳).

روش AHP چارچوب مناسبی را برای ارائه و تعیین اولویت ها در هر سطحی از سلسله مراتب تصمیم گیری با استفاده از مقایسه های زوجی را فراهم می کند. برای انجام مقایسه زوجی شاخص های مورد مطالعه، از روش مقایسه ۹ کمیتهی ساعتی استفاده شده است.

جدول ۲- مقادیر عددی ترجیحات در مقایسه زوجی شاخص ها (مأخذ: قدسی پور، ۱۳۸۴)

مقدار عددی	ترجیحات
۹	کاملاً مرجح یا کاملاً مطلوب تر
۷	ترجیح یا مطلوبیت خیلی قوی
۵	ترجیح یا مطلوبیت قوی
۳	کمی مرجح یا کمی مطلوب تر
۱	ترجیح یا مطلوبیت یکسان
۲ و ۴ و ۶ و ۸	ترجیحات بین فواصل فوق

جدول ۳- وزن شاخص های مورد مطالعه بر اساس محاسبات روش AHP (مأخذ: نگارندگان)

بخش ها و شاخص های مورد مطالعه	وزن در بخش مربوطه
کشاورزی	
۱. میزان زراعت	۰,۳۱۱
۲. تولید گلخانه	۰,۰۶۶
۳. سواد کشاورزان	۰,۱۱
۴. مساحت زمین زیر کشت	۰,۴۶۷
۵. تعداد شرکت تعاونی کشاورزی	۰,۰۴۴
آموزشی	

۰,۲۳۹	۶. باسوادان شهر
۰,۰۹۳	۷. تعداد دانش آموزان
۰,۰۷۱	۸. اساتید و کارکنان مدارس
۰,۲۰۹	۹. فارغ التحصیلان دوره متوسطه
۰,۳۸۶	۱۰. اساتید و کارکنان دانشگاهی
بهداشت و درمان	
۰,۴۹۸	۱۱. تعداد مراکز بهداشتی و درمانی
۰,۰۵۷	۱۲. خانه های بهداشت روستایی
۰,۲۱۵	۱۳. تعداد تخت های مراکز درمانی
۰,۱۲۵	۱۴. تعداد داروخانه و آزمایشگاه
۰,۱۰۱	۱۵. تعداد پزشکان

در پژوهش حاضر، ۱۵ شاخص از ۳ بخش کشاورزی، آموزشی و بهداشت و درمان؛ از سالنامه آماری انتخاب شده است. شاخص ها در ۴ شهرستان بزرگ استان سیستان و بلوچستان مورد ارزیابی قرار گرفته اند. پس از بررسی آماری و مقایسه عددی شاخص ها در شهرستان ها، و انتقال اطلاعات به مدل AHP، وزن شاخص ها محاسبه شد (جدول ۳).

همانطور که مشاهده می شود، در بخش کشاورزی بیشترین وزن به شاخص زمین های زیرکشت اختصاص یافته است، در بخش آموزشی به شاخص اساتید و کارکنان دانشگاهی و در بخش بهداشت و درمان، تعداد مراکز بهداشتی و درمانی بیشترین وزن را دارا می باشند.

وزن های محاسبه شده شاخص ها در روش AHP به عنوان بردار وزن مفروض به الگوریتم TOPSIS انتقال داده شد. در این روش پس از تعیین راه حل ایده آل مثبت و منفی، میزان نزدیکی نسبی هر یکی از شهرستان ها به راه حل ایده آل در هر بخش محاسبه شد و امتیاز های کسب شده از این فرایند، مبنای رتبه بندی شهرستان ها قرار گرفت.

این روش یکی از روش های مرسوم و پر کاربرد در میان روش های تصمیم گیری چند شاخصه است که بر مبنای محاسبه فاصله گزینه ها از راه حل ایده آل مثبت و ایده آل منفی استوار است. بر این اساس، گزینه برتر، کمترین فاصله را از راه حل ایده آل مثبت و بیشترین فاصله را از راه حل ایده آل منفی خواهد داشت. در این روش ماتریس تصمیم گیری و وزن شاخص ها، داده های ورودی سیستم هستند؛ و خروجی نیز به صورت رتبه بندی گزینه هاست. گرچه مطلوبیت هر شاخص باید به گونه ای یکنواخت، افزایشی یا کاهش می باشد که در این صورت بهترین ارزش موجود از یک شاخص، نشان دهنده ایده آل آن بوده و بدترین ارزش موجود از آن، مشخص کننده ایده آل منفی خواهد بود (اصغر پور، ۱۳۷۸: ۲۶۰).

جدول ۴- رتبه بندی شهرستان های استان بر اساس نزدیکی به ایده آل در روش TOPSIS به تفکیک بخش (مأخذ: نگارندگان)

رتبه شهرستان در بخش مربوطه	میزان CL	شهرستان
بخش کشاورزی		
۱	۰,۹۴۵	زابل
۲	۰,۴۱۱	ایرانشهر
۳	۰,۱۹	زاهدان
۴	۰,۰۲۲	چابهار
بخش آموزشی		
۱	۰,۹۱۵	زاهدان
۲	۰,۵۹۸	زابل
۳	۰,۲۷۷	چابهار

ایران شهر	۰,۲۳۹	۴
بخش بهداشت و درمان		
زاهدان	۰,۹۵۹	۱
ایران شهر	۰,۳۱۳	۲
زابل	۰,۱۲۶	۳
چابهار	۰,۰۲	۴

برای ساده ارزیابی شدن توسعه یافتگی شهرستان‌ها در بخش‌های مختلف، بر اساس امتیازات به دست آمده از روش TOPSIS، به شش گروه توسعه به شرح زیر طبقه بندی شدند (جدول ۵).

جدول ۵- تقسیم بندی سطوح توسعه بر اساس مقدار CL

CL	۰,۱۰-۰	۰,۲۰-۰,۱۰	۰,۳۰-۰,۲۰	۰,۴۵-۰,۳۰	۰,۶۰-۰,۴۵	بیش از ۰,۶۰
درجه توسعه	بسیار محروم	محروم	متوسط	کمابیش توسعه یافته	توسعه یافته	بسیار توسعه یافته

بر اساس تقسیم بندی یاد شده، در بخش کشاورزی، شهرستان زابل با حداکثر امتیاز از نظر شاخص‌های کشاورزی دارای بالاترین رتبه می باشد و در سطح بالاتری نسبت به بقیه شهرستان ها قرار دارد. پس از آن شهر ایران شهر کمابیش توسعه یافته می باشد. شهر زاهدان که مرکز استان می باشد با توجه به امتیاز شاخص‌های کشاورزی در درجه محروم قرار دارد و نشان می دهد که مرکز استان از نظر توانمندی و پتانسیل کشاورزی و امکانات کار کشاورزی ضعیف می باشد. شهرستان چابهار نیز با کمترین امتیاز در درجه بسیار محروم قرار دارد. چابهار شهری بندری و توریستی می باشد که به مسئله کشاورزی در این شهرستان توجه زیادی نشده است. شهرستان زابل با توجه به خاک حاصلخیزش، مکان مناسبی برای کشاورزی می باشد و باید مشکلاتی که در آینده این بخش را تهدید می کند، شناسایی و حل شود تا همچنان نقطه قوت شهرستان باقی بماند و محصولات مورد نیاز سایر شهرهای استان از جمله زاهدان را تامین کند. همچنین با تامین امکانات لازم کشاورزی در شهر ایران شهر نیز می توان این شهر مرکزی را به قطب دوم کشاورزی استان تبدیل کرد. ایران شهر با توجه به فاصله یکسان به جنوب و شمال استان، می تواند قطب رشد کشاورزی در آینده باشد.

در بخش آموزشی شهر زاهدان با حداکثر امتیاز در سطح بالاتری نسبت به بقیه شهرستان ها می باشد و این امر قابل پیش بینی بود چون زاهدان با توجه به اینکه مرکز استان می باشد تمامی امکانات آموزشی را داراست و به عنوان یک قطب آموزش، از سراسر استان افراد را به منظور تحصیل و استفاده از امکانات، به خود جذب می کند. شهرستان زابل نیز پس از ساخت دانشگاه جدید و توجه به مسائل آموزشی و دانشگاهی، به درجه توسعه یافته رسیده است. پس از زاهدان دومین قطب آموزشی استان شناخته می شود و پتانسیل پیشرفت بیشتر را نیز دارد. پس از این دو شهر، چابهار و ایران شهر به ترتیب در رتبه سوم و چهارم قرار دارند و درجه توسعه این دو شهر متوسط می باشد. چابهار با داشتن دانشگاه بین المللی و دریانوردی و وجود رشته های خاص و پردرآمد، طرفداران خود را دارد اما به دلیل هزینه های زیاد تحصیل، دانشگاه بین المللی از تمامی استعدادهای استان نمی تواند استفاده کند و در نتیجه افراد دانشگاه های زاهدان و زابل را بیشتر می پسندند. شهرستان ایران شهر نیز در درجه متوسط قرار دارد اما این شهرستان به زودی از این نظر توسعه بیشتری پیدا خواهد کرد به دلیل اینکه میزان پیشرفت دانشگاهی در این شهرستان چشمگیر بوده است و به زودی دانشگاه علوم پزشکی تاسیس می شود و در کنار دانشگاه ولایت، می توانند ایران شهر را نیز به یکی از قطب های مهم آموزشی استان تبدیل کنند، امری که در حال تحقق است.

در بخش بهداشت و درمان نیز شهرستان زاهدان با توجه به اینکه مرکز استان می باشد و امکانات بهداشتی و درمانی در این شهر متمرکز شده اند، بالاترین امتیاز دارد و از این نظر در استان، توسعه بیشتری پیدا کرده است، به گونه ای که مردم استان برای مسائل درمانی از تمام شهرها به زاهدان سفر می کنند. هر چه شهر از نظر جمعیتی و سیاسی قوی تر باشد، امکانات بیشتری را دارا می باشند و زاهدان به عنوان شهر اول این استان از نظر جمعیتی و سیاسی، از این قاعده مستثنا نیست. پس از زاهدان، شهرستان ایرانشهر با اختلاف زیاد نسبت به زاهدان در رتبه دوم قرار دارد و کمابیش توسعه یافته می باشد، ایرانشهر با داشتن دو بیمارستان و چندین مراکز درمانی، همواره متقاضیانی از شهرهای اطراف دارد. مردم جنوب استان و روستاهای اطراف ایرانشهر، همه روزه برای رفع مسائل درمانی به این شهر مراجعه می کنند. با توجه به فاصله از مرکز استان، در صورتیکه به امکانات بهداشتی و درمانی ایرانشهر رسیدگی شود، این شهر می تواند به عنوان قطب بهداشتی و درمانی استان نیز بعد از زاهدان معرفی شود. با توجه به موقعیت جغرافیایی مناسب این شهرستان در استان، ضروری است که بیشتر به مسائل درمانی در این شهر توجه شود به این دلیل که اگر ایرانشهر از این نظر توسعه پیدا کند میزان تردد به زاهدان کمتر می شود و با پخش شدن مردم استان در این دو شهر از بسیاری از مشکلات کاسته می شود. شهرستان زابل از نظر بهداشت و درمان در درجه محروم قرار دارد. با توجه به وسعت و جمعیت این شهرستان، نبود امکانات مناسب در زابل، تاسف بار می باشد، دلیل اصلی رسیدگی نکردن به این شهرستان، نزدیکی به مرکز استان می باشد، مردم این شهرستان که شصت درصد آن‌ها در حومه و شهرهای اطراف زابل زندگی می کنند، همواره برای مسائل درمانی به زاهدان سفر می کنند. زابل به دلیل مشکلات مربوط به بادهای صد و بیست روزه، مشکلات فراوانی را برای مردم بوجود آورده است که نبود امکانات مناسب و رسیدگی نکردن به مشکلات درمانی مردم، باعث تردد های زیاد مردم شده و در بسیاری از موارد باعث مهاجرت مردم به زاهدان شده است. در رتبه آخر بخش بهداشت و درمان، چابهار قرار دارد و با امتیاز بسیار پایین در این بخش، در درجه بسیار محروم قرار دارد و نیازمند توجه زیادی می باشد. با توجه به این که شهرستان چابهار به یک شهر گردشگری تبدیل شده و با دارا بودن منطقه آزاد و سواحل زیبای دریای عمان، از نظر اقتصادی دارای پتانسیل بالایی می باشد، ضروری است که به این بخش نیز توجه شود و شهروندان و افرادی که به این شهر می آیند در صورت داشتن مشکلات درمانی، مجبور به سفرهای طولانی نشوند. همچنین مشکل دیگر چابهار، فاصله بسیار زیاد با مرکز استان می باشد که این دوری از قطب درمانی استان، مشکلات را چند برابر کرده است.

شهرستان‌های توسعه یافته در کشور ایران، معمولاً مرکز استان‌های کشور می باشند، این وضعیت، حاکمیت یک نظام قوی مرکز-پیرامون را در ایران تایید می کند و نمایانگر آن است که با وجود اتخاذ سیاست های توسعه منطقه‌ای در چند دهه گذشته، از جمله تعیین قطب های رشد در مناطق مختلف کشور، نابرابری های منطقه‌ای همچنان مشهود است. از این رو، زدودن نابرابری های منطقه‌ای در کشور و استان‌ها مستلزم این است که مناطق محروم و توسعه نیافته در کانون توجه برنامه ریزان قرار گیرند، به گونه ای که در گام نخست، امکانات و خدمات اساسی و ضروری مورد نیاز آن‌ها تامین شود و سپس با شناخت هر چه بیشتر توانمندی های انسانی و محیطی این مناطق و برنامه‌ریزی های صحیح، زمینه های رشد و توسعه منطقه‌ای و یکپارچگی ملی فراهم شود.

در تحلیل سالنامه آماری و با مشخص شدن وزن شاخص‌های مختلف از روش AHP مشخص شد که در بخش کشاورزی، میزان زمین زیر کشت بیشترین وزن را دارد. هر چه مساحت زمین های زیر کشت کشاورزی بیشتر باشد، میزان تولید محصولات بیشتر می باشد، در سالنامه آماری استان بیشترین مساحت زمین زیر کشت مربوط به شهرستان زابل با ۴۲۴۹۳ مترمربع می باشد. در بخش آموزشی، اساتید و کارکنان دانشگاهی بیشترین وزن را در مقایسه با دیگر شاخص ها داراست. این مورد نشان می‌دهد که هر چه یک شهر دانشگاهی باشد، توسعه آموزشی آن بیشتر است و واضح است که فقط حضور دانشجو باعث پیشرفت شهر نخواهد شد، بلکه افرادی که با سواد بالا و وظیفه آموزش دانشجویان را بر عهده دارند نقش مهمتری دارند. زاهدان با بیش از ۱۳۰۰ استاد و کارمند دانشگاهی، نشان دهنده این است که شهر از نظر دانشگاهی پیشرفت بالایی داشته است و قطب آموزشی استان می باشد. در بخش بهداشت و درمان، تعداد مراکز بهداشتی و درمانی بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است. هر چه مراکز بهداشتی و درمانی در سطح شهرستان‌ها بیشتر باشد و به صورت منطقی پخش شوند، از میزان ازدحام کاسته می شود و به امور درمانی با سرعت بیشتری پرداخته می شود. البته این امر به داشتن امکانات وابسته است، فراوانی به شرط داشتن امکانات و خدمات مناسب، می تواند از

بسیاری مشکلات بهداشت و درمان بکاهد. زاهدان با ۱۱۴۳ مرکز درمانی و بهداشتی، قطب اصلی بهداشت و درمان استان می باشد که روزانه با تقاضاهای زیادی از شهرهای مختلف استان در این بخش مواجه است.

زاهدان در دو بخش آموزشی و بهداشت و درمان به عنوان شهری بسیار توسعه یافته برای مردم استان مطرح می باشد اما از نظر کشاورزی دارای ضعف می باشد، البته این امری طبیعی است، به این دلیل که رشد جمعیت و میزان بالای شهرنشینی در زاهدان، مانع فعالیت های کشاورزی شده است و مهاجرت های زیادی به این شهر می شود که عاملی بر از بین رفتن کشاورزی در روستاهای اطراف می باشد و شهر روند صنعتی شدن را در پی می گیرد.

زابل با توجه به شرایط اقلیمی و خاک مناسب به عنوان قطب کشاورزی استان معرفی می شود، اما به دلیل مشکلات کمبود آب و نیروی کار، این بخش مهم در خطر می باشد، باید با تدابیر مسئولان این بخش همچنان نقطه اتکای شهرستان باشد. همچنین رفع مشکلات بهداشتی و درمانی و فراهم کردن امکانات و خدمات، می توان این شهرستان را از زیر سایه زاهدان درآورد. ایرانشهر با توجه به پتانسیل بالا و موقعیت جغرافیایی مناسب، در آینده می تواند در سه زمینه مورد نظر پیشرفت قابل توجهی داشته باشد. ایرانشهر یک شهر مرکزی با موقعیت مناسب برای کشاورزی می باشد. همچنین با تاسیس دانشگاه ها و بیمارستان های جدید، می تواند در آینده نزدیک قطب دوم استان بعد از زاهدان باشد.

چابهار در سه بخش مورد مطالعه دارای پتانسیل بالایی نبود و کمبودهای فراوانی دارا می باشد، اما این شهرستان از نظر اقتصادی در مسیر رو به جلویی قرار دارد و در سال های اخیر به عنوان یک مرکز گردشگری مهم در کشور تلقی می شود. این پیشرفت می تواند با تدابیر مناسب، در بخش های دیگر هم اثر بگذارد و چابهار را به یک شهر ساحلی پیشرفته تبدیل کند.



شکل ۱- نقشه تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مأخذ: مهندسین مشاور شرق آیند)

نتیجه‌گیری

استفاده از روش‌های آماری بهترین و مناسب‌ترین راه‌ها برای حل مسائل در زمینه درجه توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای می‌باشد. این پژوهش تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی در سه بخش کشاورزی، آموزشی و بهداشت و درمان می‌باشد. در مقایسه رتبه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان به وجود ناهماهنگی و عدم تعادل از نظر توسعه پی بردیم. با توجه به محاسبات انجام شده به روش‌های تحلیل سلسله‌مراتبی AHP و TOPSIS، مشاهده شد که در بخش کشاورزی شهرستان زابل در حد بالایی از توسعه‌یافتگی قرار دارد و زاهدان و چابهار در حد پایین توسعه‌یافتگی از نظر کشاورزی قرار دارند. همچنین در بخش آموزشی زاهدان در حد بالای توسعه و ایرانشهر و چابهار در حد متوسط رو به پایین قرار دارند. در بخش بهداشت و درمان نیز زاهدان در بالاترین حد توسعه در استان قرار دارد و چابهار در پایین‌ترین حد توسعه‌یافتگی می‌باشد. شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان در دوره‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون دارای تفاوت در توسعه بوده‌اند که بیانگر عدم توسعه هماهنگ در شهرستان‌ها منطبق با نیازهای جمعیتی آن‌ها است. این نابرابری‌ها به دلیل عوامل طبیعی، اقتصاد سیاسی، نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی و قطب‌رشد (زاهدان) می‌باشد. شهر زاهدان به دلیل مرکزیت اداری-سیاسی و قطب‌رشد بودن در زمینه اکثر شاخص‌های مهم، برتری خود را حفظ کرده است و امکانات و خدمات و نیروی انسانی ماهر و متخصص را از شهرستان‌های پیرامون و است‌ان‌های اطراف جذب کرده و باعث تمرکز سیاسی و جمعیتی در استان شده است. این روند هنوز هم ادامه دارد یعنی شهرستان زاهدان هم چنان مرکز توسعه و قطب برتر استان می‌باشد، به منظور فراهم‌سازی زمینه توسعه در استان، توجه به منابع متعدد طبیعی و انسانی، تنوع آب و هوا، وجود مرز مشترک و طولانی میان دو کشور افغانستان و پاکستان و هم‌چنین وجود دریای عمان در جنوب استان، ضروری به نظر می‌رسد. در بحث توسعه لزوماً همه بخش‌ها در همه شهرها نمی‌توانند فعال باشند و هر شهر بهتر است تا بتواند پتانسیل‌های خود را بارور کند.

مراجع

۱. اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۵)، تصمیم‌گیری‌های چند معیاره، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. امین بیدخت، علی اکبر (۱۳۸۵)، رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سمنان، مجله رشد جغرافیا، دوره بیست و یکم، شماره یک، تهران، صص ۱۷-۲۳.
۳. پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی ستاجردی (۱۳۸۲)، نظریات شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۴. تودار و مایکل (۱۳۶۷)، مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سردمدی و پروین رئیسی فرد، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، چاپ اول، تهران.
۵. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۶. حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۳)، بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۵، زاهدان، صص ۱۰۱-۱۱۲.
۷. رضوانی، محمدرضا و بهمن صحنه (۱۳۸۴)، سنجش سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی با استفاده از روش منطق فازی، مطالعه موردی: دهستان‌های شهرستان آق قلا و بندر ترکمن، فصلنامه روستا و توسعه، سال هشتم، شماره ۳، تهران.
۸. رضوانی، هادی و محبوبه کشمیری (۱۳۹۲)، در جستجوی شهر عدالت محور: بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری، انتشارات نشر شهر.
۹. زنگی آبادی، علی، احمدیان، مهدی، شاهسونی، محمدجاسم و جابر علیزاده (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای در استان بوشهر با بهره‌گیری تلفیقی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۲.

۱۰. زیاری، کرامت الله، زنجیرچی، سید محمود و کبری سرخ کمال (۱۳۸۹)، بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از فن تاپ سیس، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۴۲، تهران، صص ۱۷-۳۰.
۱۱. سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۰)، مرکز آمار ایران.
۱۲. شکویی، حسین (۱۳۷۷)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
۱۳. قدسی پور، حسن (۱۳۸۴)، فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۱۴. کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، انتشارات خوشبین، چاپ اول، تهران.
۱۵. مایر، جرال و دادلی سیرز (۱۳۶۸)، پیشگامان توسعه، ترجمه سیدعلی اصغر هدایتی، سمت، چاپ اول، تهران.
۱۶. مولایی، محمد (۱۳۸۷)، بررسی و مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی است‌ان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۶۳، تهران.
۱۷. مهندسین مشاور شرق آیند (۱۳۹۵)، نقشه‌های تحلیلی استان سیستان و بلوچستان.
18. Harvey, Jack(1996):urban land economic, London.
19. Long, Norman(1988):Sociological Perspective on Agrarian Development and State Intervention in Development Policies Sociological Perspective.
20. Streeten,P(1999): Boston University, Economic Development in third world.





پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی